

اختصار

۱۲۹۲

مطبوعه و اداره خانه درخان والده دروازه
خصوصه است

مکتوبی در برای درج کازت با واره داده
شده و طبع نشود بصاحبش رد نخواهد شد
مکتوبی که اجرت پوست آن داده نشده
است از جانب اداره قبول نخواهد شد

بیت سالیانه شصت مجیدیه
شش ماه چهار مجیدیه
یک نسخه ۳۰ پاره رایج است
اجرت پوست سالیانه در دوازده ماه و برای
فارج شش مجیدیه سفید افزوده خواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزه
طبع و نشر خواهد شد

این کازت از عاودت کوناگون و از سیاست و پدیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هر کس که مراد مفیده عامه بمانا قبول و طبع خواهد شد
از اعلانی که در ضمن عاودت نوشته شود بر سطره غرویش و از اعلانات عادی بر سطره غرویش اقد خواهد شد

قانون - شریعت

حاکم مطلق در عالم مدینت . جز شریعت و قانون
عادلانه چیز دیگر نیست . شریعت و قانون
دو عبارت است که معنی آنها را باید بدانیم و حکم
آنها را در هر جای بطوریکه اقتضا کند مجری
بداریم . شریعت در لغت عرب را راست و آشکارا
گویند . یعنی طریق مستقیم و واضح . و نیز معنی
مورد شایع است . که عبارت باشد از جایی که
در نهادهای آب و رود خاها برای آب برداشتن بوده
باشد . و در اصطلاح خاص بمناسبت معنی لغوی
شریعت احکام مقرر است . که مشتمل بر اوامر
و نواهی است و منقرعات آن . و شریعت معنی
سنت و عادت است که موافق احکام مقرر جاری
شده باشد . قانون در لغت معنی هر چیزی را
گویند . که بان قیاس و اندازه هر چیزی معلوم
کرده . و گفته اند این لفظ اصلا سریانی است .

اکنون اگر بطور آگاهی و تحقیق و بی تملی
کرده و کور و کورانه سخن گفتن را بخود جایز
نداریم . بر ما لازم است . که مناسبات حاضره
خودمان را . و تکالیف تعین و زندگانی را . که شرعا
و عقلا بر حکم انسانیت و مدنیت و بحسب اقتضای
طبیعه داریم تصور کرده . وجهات تعلق
شریعت و احکام شریعت را بر ما . و همچنین
از قوانین و اتباع بر قوانین بدانیم . و برای
فائده بخشیدن این دانش . جهات فرق و اتحاد
قانونها و شریعتها را هم بغیریکه ممکن است
بفهمیم .

این را مسلم داریم که اساس خلقت و آفرینش ما
بطور استثنای و زندگانی بجمعیت گذاشته شده است
و گذشته از اینکه انس و زیست بجمعیت ما را طبیعی
است و ناچاریم از تمدن و اجتماع و تعاون و تناصر
مخصوصا از جانب آنها که بر خود مطاع میدانیم
اوامر و مواظبه در این باب نیز بجا رسیده است .
لزم تکلیف مناسبات و اجتماعها را بیان نموده .
و مقرر فرموده اند که (بر شما باد ملازمت بسواد
اعظم) که اشاره به تکلیف مناسبات و ترتیب اسباب
تعاون و تناصر است .

پس از آنکه ما را مقرر شد که بمناسبات و موارادات

خود بفرماییم . و بالبنای جنس خود انیس بگیریم .
و سروسیاحت نمایم در روی زمین . تا آنکه
آیات و علامات آفرینش صانع اعظم جهان را
به بینیم . و در این ضمن بمقاصد عالی و شرف
انسانیت و کسب معارف و اطلاعات برسیم . آشکار
است که برای تسهیل و تأمین این مناسبات
مقصوده و مواردهایی مطلوبه و نیز برای اینکه
از نتایج اجتماعات و تمدن خود بهره مند شویم .
و از تعاون و تناصری که همه طوری و در هر حال باید
داشته باشیم غری برداریم . ما را لازم است
قانون و شریعتی داشته باشیم . که بدان واسطه
هم خود در تحت یک قاعده مندرسه بوده اخلاق
و آداب خود را موافق مقیاس راستی و اعتدال کرده
باشیم . و هم معاملات و اطوار و حرکات و رفتار
خود مان را با کسانیکه طرف معاملات و مناسبات
توانند شد . از روی یک قانون مستقیم و شریعت
تابشای بکار برده . حق شرافت و ناموسی
انسانیت را مرعی داشته باشیم .

شریعت که با اصطلاح خاص احکام و اوامر و سنن
و آداب مقرر از جانب شارع مقدس را گفته
میشود . اطوار و شئون چند دارد که شماره آن
اکنون را لازم نیست . مگر همینقدر که شعبه از آن
بمعاملات متعلق است . و شعبه دیگر بعبادات .
که هر کدام نیز شعبه های چند دارد . و چیزی که
بعض ناقصان را در این مقامات در مقام انجماد ذهن
نگاه داشته . و ساری و جاری کرده اند اثرهای
افکار قاصره خودشان را در جهان اسلامیت .
و در نظرهای بیگانگان جلوه نداده اند اطوار
اسلام و شریعت اسلام را مگر بطورهای وحشتناک
و بیابن با قواعد مدنیت و انسانیت . که این یکی
حقیقه جای افسوس است . و از کارهایی است که
اسلام را مایه تحسیر و تاسف تواند بود . ملاحظه
نکردن معنی حقیقی و روح اسلامیت است . که
بدین واسطه یعنی بعلم همین بی ملاحظه کی چه
قدرها هنر و اختلاف در ارکان عالم ظاهر گردیده
است . و همچنان فهمیده اند و فهمانده اند . که
اسلام آنچنان است که خودشان می بینند . حال
آنکه از حقایق و مذاق آن . و از بطون و معنویت
آن و از ارواح و معانی آن هرگز بوی نبرده .
و احکام را هم بجز آنچه در دست کوتاه ایشان است .
و موافق افهام ناقصه آنها است . بطورهای

دیگر منشعب و توسیع نتوانسته اند بکشند .
و از آن طرف هم جاهلی از آنها محض اینکه
می شنود . در امری از امور متعلقه بمناسبات
بشریه و مدنی و یا خود در ضمن مصالح مقتضیه
بر حسب حال اهل و زمان و موقع از روی تطبیق
باصول کلیه اسلام قانونی و یا خود نظای کذاشته
میشود . فورا میگوید این قانون گذاشتن و یا
آنکه این قانون موضوع مغایر اسلام . و منافی
باشریعت اسلام است . حال آنکه اگر کسی
از این خلك بپرسد سوال کند که ترا که حاکم
و حکم در این مقام قرار داد و از روی کدام علم
و اطلاع این سخن را میگوئی ؟ جوابی که تواند
گفت کویا بغیر از هوای نفسانی چیز دیگر را سبب
اصلی در این مورد نتواند آورد .

ازین شخص باید پرسید جهاد از جمله ارکان
و اصول دین اسلام است . و بر همه مسلمانان فرض
و فریضه است . در عصر سعادت جهاد بشیر
و نیزه و تبر و کمان و مانند آنها بود . و بهیئت اجتماعی
اهالی و افراد . بامر مخصوص جمع شده .
بجهاد میرفتند . اکنون اگر ما بخواهیم در راه
اسلام و حفظ نفوذ اسلام . و حاجت حوزه اسلام .
و نگاهداشتن شان و شرف اسلام . بجهاد برویم .
آیا بجهاد هیئت برویم و با کدام اسلحه برویم ؟ بهمان
شمشیرها و نیزه ها و تبر و کتله برویم ؟ و بهمان
ترتیب غیر منظم برویم ؟ یا آنکه باید باقتضای
وقت و موقع و ملاحظه حال قدرت و قوت طرف
مقابل خودمان عساکر نظامیه داشته باشیم
و توپ و تفنگ و مهمات و جبهه خانه و قوسه بریه
و بجزیره را مالک بوده . و علاوه برین برای یاد
گرفتن فنون حربه مکتبها و معمل خانها و غیره و غیره
داشته باشیم . حال آن جاهلی که نام خود را
مسلم گذاشته . و بان هم اکتفا نمی کند و خود را
شاخص در میان ملت میدانند . چه میگوید .

مسلمانان را در همچنان موقع برداشته کرور کرور
بیریم و بملو توپهای کرور و متراپوز و تفنگهای
سوزن دار و شاسو و غیره و غیره بریزیم . که میل آنها
کشیداست . که بگوید در زمان سعادت آنها
نبود ! و الحاصل باید درست مطالعه کرد . اسلام را
باید فهمید قوانین پاک اسلام را باید فهمید . جهات
اختلاف قوانین . و تغییراتی که در زمانها باید حاصل

کند . و مع ذلک هیچ منافاتی بااساس شریعت
و اسلام ندارد باید دانست .

احکام عبادات اسلام محدود است . و وجهات تعلق
آن نیز غالبا غیر متغیر . که این یکی چنانکه در یکی
از مقاله های پیش تشریح کرده شد متعلق بامور دنیویه
و شخصییه است . و سخن گفتن از آن را در اینجا
لزومی نیست . ولی مناسبات خارجی و معاملات که
بادیگران داریم . محسوس و مشاهد است . که
اختلاف حاصل میکند و دقیقه بدقیقه و آن بان
تغیری پذیرد . و واضح است که احکام تابع
بر موضوعات است . و در این صورت جز اینکه
اساسی دیگر و روش و اسلوبی جداگانه . در رعایت
حدود معاملات هیئت اسلامیه و کسانیکه در حاکمیت این
هیئت هستند درست باشد . چاره دیگر نیست که
این اساس و اسلوب را نیز قانونها و نظامات و یاساها
و دستورها نام نهاده میشود . که این قوانین و یاساها
نیز نه مغایر باشریعت است و نه در بیرون شارع
شریعت مقدسه . بل محض شریعت است .
حافظ شریعت است کمال شریعت است و شرف
و ناموس شریعت است .

این سخنها در کلیه مطلب است که قانون باشریعت
نیاید مغایر باشد قانون عدل و مستقیم . همانا
از فروع شریعت است . بل مرجع هر دو یکی است
لهذا در مقاله های آینده بقدریکه مناسب آید تشریح
این مطلب حتی الامکان خالی از زوایم نیست .
زیرا که زبان ما محتاج بشریح آن است سعادت
حال ما و سلامت و اسلام ما در تعمیم بیان این سخن
حاصل و باقی تواند بود .

ملاحظه باید کرد که دولتهای فرنگستان اروپا
بعد از همه های وهوی و ترقیات که با اعتقاد خودشان
حاصل کرده اند حالا فهمیده اند که باید بجهت
محافظه ملک و وطن . اینانی آن وطن را لازم است
جلای عسکر بشوند . از فنون حربه یاد بگیرند
و مشق و تعلیم کنند . و این نیست مگر همان حکم
مقدس اسلام که غایب مسلمانان را بجهاد مکلف
فرموده است . در اینجاها سخنهای بسیار خوب
و معانی بلند را بخاطر توانیم آورد . که شرافت
اسلام و شریعت پاک اسلام هم در نزد همگان
با شکاری دیده شود .

اخبار داخلی

توجهات

اعضائیت دارشورا بجناب تحسین پاشا از ارکان اردوی چهارم کومانان سابق موقع سیواس کومانان موقع سیواس بجناب عرشوق پاشا منصرف سابق سنجاق زور توجه فرموده شده

وکالت ریاست شعبه تجربه و معاینه معمولات حریه که بسمت ارتباط مجلس توفیقانه عامه تشکیل شده است بجناب سعید پاشای میرا از اعضای دائره توفیقی توجه فرموده شده است

اعضائیت مجلس مزبور

بمرتآب رفت يك میرآلی از اعضای مجلس توفیخانه و ارکان حریه

بمرتآب راسم يك میرآلی از اعضای مجلس مذکور

بمرتآب احمد يك میرآلی از اعضای مجلس مذکور

بمرتآب رضا يك قائم مقام از اعضای مجلس مذکور

برفت مآب حتی افتدی بیکبائی از اعضای مجلس مذکور

برفت مآب عصمت افتدی بیکبائی از اعضای مجلس مذکور

کسانی که از دائره توفیقی که بموجب اراده سینه لغوشده است بمجلس توفیخانه نقل مأموریت ایشان شده است

سعادتآب راشد پاشای میرا . عزتآب علی يك میرآلی عزتآب اسعد يك میرآلی

کسانیکه از دائره توفیقی مذکور به دارشورا نقل مأموریت ایشان شده است

جناب سعادتآب جمال اشای فریق . سعادتآب حافظ پاشای میرا . عزتآب سلیمان يك میرآلی

متر هاموند از اعضای مجلس پارلت انکلیس که چند روز پیش ازین بدو سادت آمده بود پرروز که روز دوشنبه بود از اسلایبول حرکت و از راه هوجه يك (اوده) باندن عزیمت نموده است

وایور همایون عیر در این چند روز قریب پانصد نفر عساکر احیاطیه را با بعضی مهمات حریه و لوازمات عسکره پرداخته بجناب فلیق عزیمت خواهد نمود

کارت های رین یویند

مسیو رودیج والی ایالت دالماسیا از مالک اوستریا باجنرال موایتاری کرمانان عسکر حدود بمناسبت همجنس بودن با سلاوا رعایت بحقوق همجنس و بیطرفی از تسویه آشکارا به روز و روز باغیان و در خریدن باروت و ججهانه و مهمات سائر ایشان

مساعده میکرده اند درین خصوص بموی الیها از طرف جناب کونت اندراسی وزیر خارجه دولت مشار الیها بعضی وصایا و تنبیهات تبلیغ شده و بجهت همین وصایا و تنبیهات والی موی الیه تغییر دوده از مأموریت خود استعفا کرده ولی استعفا او قبول نشده است

از مواظبت و اهتمام جناب دولتاب عزت پاشا والی سیواس در طرف مدت قلیله از اموال ولایت مزبوره مبلغ پنجاه و یک هزار و پانصد لیرا بپانک عثمانی ارسال شده است

بجهت اصلاح و منظم داشتن احوال کسانی که در محکمه های نظامیه وکیل دعوا و مرافعات می شوند . در دائره دیوان احکام عدلیه کومیسونی تشکیل شده . وکیلها را بیکان بکان در آنجا امتحان کرده اند . کسانیکه قابلیت وکالت را نداشته و مناسب نبوده اند . از میان آنها اخراج شده . باقی دیگر را مأذون بوکالت کردن داشته . شهادتنامه های موقتی بدست آنها داده اند . و نیز بجهت اینکه در معاملات جاریه در میان وکیلها و اصحاب دعاوی بخیال تحصیل منفعت نامشروعه احوالی که مغایر حقانیت است واقع نشود . يك نظامنامه نوشته شده . و برای تعیین اجرت های که باید بکبرند تعرفه جداگانه ساخته شده . بموجب مضبطه کومیسون و تفریر نظارت جلیله دیوان احکام عدلیه . در مجلس مخصوص وکلا مطالعه و تصدیق شده و بعرض رفته است و در خصوص اجرای احکام آن اراده سینه شرف تعلق پذیرفته و بروسای محاکم نظامیه نیز در آن باب سارهای لازم بعمل آورده شده است

اینک صورت نظامنامه و تعرفه مذکور ذیلا ترجمه می شود

(نظامنامه در خصوص وکیل های دعاواها)
(در محکمه های نظامیه است)

(فصل اول)

در بیان شرایط دخول بلك وکالت دعوا و قبول شدن آن است

ماده اولی باستانی کسانی که خودشان بمحاکمه نیامده از منسوبان و اقوام خودشان . و یا کسانی که مشارک با آنها در حقوق باشند . وکیل دعوا تعیین میتوانند کرد . مادامیکه موافق همین نظامنامه از جانب نظارت جلیله دیوان احکام عدلیه رخصت رسمیه داده نشده است کسی بوکالت دعوا در محاکم نظامیه اقدام نتواند کرد

ماده دوم کسانی که در محاکم نظامیه وکالت دعوا میکنند . اولاً باید در محکمت حقوق تحصیل فنون کرده و پس از امتحان (رؤس) تصدیق نامه رسمی گرفته باشند . و اگر چنانچه کسی تحصیل علم حقوق را در خارج کرده باشد . در محکمت حقوق اثبات معلومات خود را نموده رؤس و شهادتنامه خود را باید به تصدیق برساند . ثانیاً باید بیست و یکسال داشته باشد . ثالثاً باید مأموریت دولتی نداشته باشد . رابعاً بجایزات ترذیلیه

و یا تهریه محکوم نشده و جزاندریده باشد . خامساً از سلك تجار و صرافانی نباشد که مفلس و ورشکست شده باشد . و یا اینکه بعد از افلاس اعاده اعتبار خود را قانوناً نتواند باشد

ماده سیم کسانی که بعد از تحصیل لیاققت و شایستگی و حائز بودن بر صفات و معلومات مذکوره خواسته باشند داخل در سلك وکالت گردند . لازم است آنها را يك لایحه بکومیسونی که در دائره نظارت جلیله احکام عدلیه است داده . و در آنجا شرح حال خودشان . و منشأ و سلك خودشان را درج کرده . و نام خود را در جدولی که قرار داده خواهد شد قید نمایند . و از روی قاعده مخصوصه . رخصتنامه نظارت را که با قوچان و نمره و مهمور باشد استحصا نماید

ماده چهارم از شهادتنامه های که بدست وکلای مرقومین داده خواهد شد چه از محکمت حقوق بعون آمده باشد و چه در خارج تحصیل علم حقوق را کرده و میخواهند شهادتنامه خود را بتصدیق برسانند . از هر کدامی تنها یک دفعه پنج عدد مجیدیه ملا خرج گرفته خواهد شد . که این رسم در مقابل مصارف کومیسونی که برای امور وکالت دعوا است بوده و بصندوقخانه دیوان احکام عدلیه داده خواهد شد

ماده پنجم وکیل های که رخصتنامه دارند در اول ماهمارت (آذرماه) رومی همساله بکومیسون مراجعت کرده در تحت تصدیق جمعیتی که در ماده سیم بیان کرده شد قیود و ثبت اسامی خودشان را ثبتید خواهد کرد و بجهت اینقره تنها قیمت ورقه صحیح را خواهند داد

ماده ششم کسانی که از اقارب و منسوبان و شرکای اصحاب دعاوی هستند و وکالت میخواهند بکنند . لازم است جهات قرابت و مناسبت و یا علاقه و مشارکت خودشان را در دعوا بموجب نوشته های علم و خبر و سندهای دیگر اثبات کنند . و اینقدر هست که آنکونه وکیلها بعد از آنکه جهات نسبت و قرابت و یا شرکت و علاقه خود را در دعوا بیان کردند و این مطلب از جانب صاحب دعوا در حضور محکمه تصدیق کرده شد . برای این وکالت دیگر از مطالبه علم و خبر و سندات دیگر صرف نظر خواهد شد

(فصل ثانی)

در خصوص وظائف وکلای دعوا و درجات مسئولیت آنها است

ماده هفتم وکیل دعوائی که حائز رخصت نامه است . در محاکمه که وکالت می کند اگر خصوصی است عین وکالت نامه خود را و اگر عمومی است صورت مصدقه آنرا باید بمحکمه که دعوا در آنجا رویت میشود قبل از محاکمه تسلیم نماید

ماده هشتم وکیل که بجهت یک دعوا معین میشود . در صورتیکه وکالتنامه عمومی و یا خصوصی نداشته . و یا آنکه قبل از محاکمه موکل او او را در حضور محکمه توکیل نکرده باشد . هر چه پیش

از آن بلا وکالت کرده باشد کان لم یکن معدود خواهد بود . و کسی نخواهد داشت . و نیز هرگاه ضرری بیک از طرفین حادث شود . و آن شخص متضرر ادعا نماید . هر چه ضرر و خسارت وارد یابد . و مصارفی که شده باشد بعهده وکیل خواهد بود . (که فضولا وکالت کرده) و ازین گونه اشخاص با قضا میماند . از يك لیرا تا سه لیرای عثمانی جزای نقدی یعنی جریمه گرفته خواهد شد . و اگر وکیل مذکور در سلك وکالت دعوا داخل شده باشد علاوه بر ضرر و خسارت که از او نقصان گرفته خواهد شد و غیر از جزای نقدی او بسمت تقصیری که کرده است . از مدت هشت روز گرفته تا شش ماه رفع استحقاق وکالت از او شده و صرفاً بنوع از اجرای وکالت خواهد بود

ماده نهم وکیلها را لازم است در وکالت نامه که از موکل خودشان می گیرند . نام واقف و محل اقامت و اصل دعوا و مرجع رویت آن را درج نمایند . و اگر وکیل بتوکیل هم باشند آن را هم تصریح کنند

ماده دهم هرگاه وکالت نامه اجرای يك ماده را منع کند که آن ماده با قضا احکام و شروط مندرجه در کتاب الوکاله مجله احکام عدلیه در دائره حدود وکالت باشد . و یا از معاملات طبعیه وکالت نامه باشد . مثل تصدیق اوراقی که اصلاً و فرعا معلق بدعواست و مانند تکلیف سوگند ورد آن وکیل مذکور با اجرای آنچنان ماده که در وکالت نامه صریحاً از آن نمی شده است مقدر او را

ماده یازدهم وکیل های دعوا مادامیکه در وکالتنامه خودشان مأذونیت صریحه داشته باشند . مقدر نخواهند بود . در حضور محکمه بصرف نظر کردن از حقوق قانونیه مانند اعاده محاکمه و اعتراض علی الحکم و استئناف و نیز جایز نخواهد بود بوکل خودشان استئناف و تجدید دعوا و اعاده محاکمه خواست و شکایت کردن در حق هیئت مجموعه يك محکمه یا خود در حق یکی از آن مبای و پول گرفتن و دادن و تعیین حکم

ماده دوازدهم وکیل دعوا محاسبه مبلغی را که بجهت دعوائی تعهد کرده خود گرفته است در روز آخر وکالت باید پس بدهد . و آنچه بقود از طرف موکل بایتم او گرفته است و هر چه اوراق و سندات دارد همه را باید بوکل خود اعاده و تسلیم نماید

ماده سیزدهم وکیل که اهمال و تکاس در اجرای وظیفه خود کند و یا تجاوز از حدود وظیفه اش نماید و یا آنکه در دادن نقود و سندات و اوراق تأخیر کند و بدین جهتها ضرری بوکل عاید گردد

موافق ادعای موکل ضرر و خسارت و مصارف سائر از وکیل مذکور تقصیر کرده میشود . و از نصف لیرا تا سه عدد لیرای عثمانی جزای نقدی دریافت شده و در صورتیکه داخل در سلك وکلای دعوا

بوده باشد از حق اجر می شود

ماده چهاردهم وکالت کرده باشد حق شایان قبول است و تا استحصا این حق و سندات موجوده در ماده پانزدهم تمام شود و دعوای تواند بود مگر الوکاله مندرج است باشد که رخصت نامه در ماده هفدهم بیان شدن حق مأذونیت او میباشد

ماده شانزدهم وکیل از وکالت خود نماید و بدین جهت مدت محدود است . متقاضی بشود که بوکل خود نظاماً حکم میشود از آن وکیل نموده است تحصیل کر

ماده هفدهم وکیل در محکمه شفها و تمانسب را مرتکب شد و اداره دولت بخورند محاکمه تجارت مشول ماده هجدهم وکیل دارد در صورتیکه با قضا

امضا شده اوراق و وس میدهند لازم است که هرگاه چنانچه در ثانی باصل آنها مطابق نبود در حق قائل و مباشر آن

ماده نوزدهم ک دعوا شده اند و وکالت میکنند لازم است می نویسد مسوده ها و قریب یکدفعه مخصوصی خودشان باید بکیرند

از جانب قلم دعاوی و یا از طرف رئیس محک باشد

در باب کیفیت تجدید دعواست

ماده بیستم وکلای دارند . اجرت های خود کالت از محکمه های مخصوصه باشد موافق بآن مربوط است در ماده بیست و یکم خود را اثبات کرد

که بموجب تعرفه قرارداد

بوده باشد از حق اجرای وکالت موقوفه ممنوع می شود .

ماده چهاردهم کسی که در ملک دعوا اجرای وکالت کرده باشد حق دارد مصارفی را که نظاما شبان قبول است از موکل خود مطالبه نماید و تا استحصالی این حق خود صلاحیت دارد که نفوذ و سندات موجوده در نزد خود را توقیف کند .

ماده پانزدهم تمام شدن حق وکالت یک وکیل دعوائی نتواند بود مگر بوجود اسبابی که در کتاب الوکاله مندرج است . و اگر چنانچه از وکیلهایی باشد که رخصت نامه در دست ندارد از جهت حملاتی که در ماده هفدهم بیان خواهد شد عزل او و پرداخته شدن حق مآذونیت او بمحاکمه موقوفی بقرار محکمه میباشد .

ماده شانزدهم وکیل که بلا سبب مشروع استعفا از وکالت خود نماید و سبب تأخیر دعوا گردد و بدین جهت مدت محدودی که حقوق قانونیه معین نموده است . منقضی بشود . هر قدر ضرر و زیانی که بموکل خود نظاما از تأخیر دعوا وارد بشود . حکم میشود از آن وکیل که بلا سبب مشروع استعفا نموده است تحصیل کرده شود .

ماده هفدهم وکیلهایی که در اثباتی رویت دعوا در محکمه شفاه و تحریرا . اقسوال و افضال نامناسب را مرتکب شده باعتبار و ناموس محکمه و اداره دولت بخورند . موافق فصل سیم اصول محاکمه تجارت مسئول خواهند گردید .

ماده هجدهم وکیل دعوائی که رخصت نامه دارد در صورتیکه با قضای کار صورتها و سوادهای امضا شده اوراق و سندات اصلیه را بیرون آورده و میدهند لازم است که باصل آنها مطابق باشد . هرگاه چنانچه در اثباتی معلوم بشود که اینگونه اوراق باصل آنها مطابق نبوده است . موجب مسئولیت در حق فاعل و مباشر آن کار خواهد بود .

ماده نوزدهم کسیکه داخل در صنعت وکالت دعوا شده اند و وکالت دعوائی را بعهده خود میگیرند . لازم است هر چه بحررات دأره بدعوا می نویسند مسوده های آنها را عینا نگاه دارند . و ضمیر یک دفتر مخصوصی بجهت محاسبه باموکلهای خودشان باید بگیرند که عدد صحیفه های آن دفتر از جانب قلم دعوائی (دأره مخصوصه است) و با از طرف رئیس محکمه تصدیق و امضا شده باشد . (فصل ثالث)

در باب کیفیت تحدید و تحصیل اجرت های وکلای دعواست .

ماده بیستم وکلای دعوائی که رخصت نامه دارند . اجرت های خود شتار که بجهت اجرای کالت از محکمه های نظامی آنکه مستند بقاوله خصوصیه باشد موافق این نظامنامه و تعرفه که بآن مربوط است دریافت خواهند کرد .

ماده بیست و یکم صاحب دعوائی که مدعای خود را اثبات کرد . حق دارد که اجرت وکیل را که بموجب تعرفه قرارداد شده است . از مدعی علیه

مطالبه نماید . و بدین طور خود وکیل نیز حق و صلاحیت دارد که اجرت وکالت را از محکوم علیه بلا واسطه مطالبه کند . (بقیه دارد)

رسمی

در بعض اوراق حوادث بدون تحقیق منتشر و شایع کرده اند . که از جمله های اسلام خائهای (خریستان) عیسویان را بیرون می کنند . در این باب از جانب حکومت سببه هیچ گونه فراری موجود نبوده . مشاء و سبب شایعه مذکور را نیز مقرر است تحقیق کرده شود .

کازت (کوری دوربان) مکتوبی از بابیه گرفته و بر روی نشر کرده و بدینجهت آنکه در حق اصلاحات مضمون غریب ابق استعمال نموده است . از طرف اداره هیئت مطبوعات بصاحب امتیاز کازت مزبور تذکره نامه فرستاده شده است .

بجهت تقصیر مصارف (عمدوجیه) نام فرقتین همایون زهدار که در لندن ساخته می شود . از جانب خزینة جلایه مبلغ سی هزار لیرا فرستاده شده است .

مکتب طبعیه شاهانه که از غلطه به کلخانه نقل شده و بالطبع بدین جهت چند وقتی در سبهای آنها تعطیل شده بود . از بیست و دوم همین ماه کانون ثانی آغاز بندر پس در مکتب مزبور کرده شده است .

کازت روی المیاره تراکی که مجددا بکام تعطیل شده بود مظهر عفو شده و در روز قبل شروع بطبع و انتشار کرد .

کازت مذکور که یکی از کازتهای معتبر مطبوعات محلیه است مظهر عفو شدن او موجب ممنونیت خادمان ترق است .

کازت (ژورنال دومانتن) هم عفو شده است و کازت (رود دپرا) که مدت تعطیل اتمام شده از روز نشیبه گذشته شروع به نشر نموده است .

برائیت نام کازت روی المیاره که پیشترها تعطیل شده بود . در خصوص طبع و نشر آن بطور سابق بذل مساعدت شده است .

اتفاق غریب در راه آهن حیدر پاشا

در چند شب پیش ازین مدیر موقوف بوستانچی در جای خود خوابیده بوده است . در ساعت چهار از شب رفته می بیند ماکنه تلکراف اسم موقوف او را میزند و او را میخواند . مدیر را زیار خواسته و جواب میدهد که حاضریم . می بیند تلکراف میگوید موقوف ازیند آتش گرفت . مدیر بجهار شبانه بچیدر پاشای آید . و برپاس خود از کیفیت واقعه خبر میدهد . او هم فوراً یک لوکوموتیف راه می اندازد که خود را با آنجا باند .

و قتیکه باز میاید می رسد یعنی بفاصله چهار ساعت می بیند آری از آتش نیست و موقوف ازیند هم در جای خود هست و با کمال تعجب این خبر بموقوفهای حیدر پاشا و بوستانچی می رسد . اکنون در جستجوی این هستند که این خبر دروغ را کدام یک از نامورین داده است و چرا داده و چه طور شده است که این جسارت را نموده است .

روزنامه المان اوکسبورگ الکیمایه چاپتوئغ از حدود بوسته کاغذ ذیل را گرفته است .

در حق پرنس (فر پور کوئج) تاکنون بشما چیزی ننوشتیم چون بخواهیم او در شورش بوسته اهمیت نمیدیم . ولی چون بعضی از کازتهای المان در حق او بعضی مقالات نشر میکنند مناسب دیدیم . من هم بشما بعضی معلومات بدهم .

میگویند وقتی که شورش بوسته ظهور کرد . پرنس (فر پور کوئج) حدود بوسته را تجاوز کرد . که باطل شورش رفاقت بکند . ولی چون از اهل سرستان میترسید تبدیل اسم نموده بخودش (موفوئج) نام گذاشت از وقتی که شورش از حدود سرستان رفع شد نام (فر پور کوئج) را نشیندیم .

درما نوامیر گذشته وقتی که شورش در سواحل نهر اوانا ظهور کرد . باز (فر پور کوئج) بمحل شورش آمده . و با بدید کوماندان شدن . اسم خود را بیان کرد ولی بجای که درما دسامیر در شهر (یامنیجا) منعقد شد پرنس مومی الیه سر کوماندانرا طلب کرد ولی خواهش او قبول نشد و هوپایر کوماندان تعیین شد .

بعد ازین (فر پور کوئج) یک دسته کوچک تشکیل کرد . و در طرف بوسته باطل شورش ملحق شده . اگر چه مومی الیه بمحکومت سرستان چشم دارد ولی اهالی سرستان خانواده (فر پور کوئج) را دوست نمیدارند . و بنا برین او را برای حکمرانی قبول نخواهند کرد .

(فر پور کوئج) در شورش بوسته هم نمی تواند کاری از پیش ببرد چونکه حال توانست جمعیت بسر خود جمع آوری نماید و معدود قتلی که با او هستند باید مصارف آنها را از کیسه خود تدارک نماید . در مجلس (یامنیجا) هم رؤسای شورش قبولش نکرده و گفته اند که از خاک بوسته بیرون برود .

تصحیح

در نسخه دیروزی در صفحه سیم درستون اول بعضی سهوها شده است که از جمله . تصرف . تفریق . و مواد . مراققت . و نبودن . بودن نوشته شده است و کلاً از اول سطر نوزدهم افتاده . و بعضی سهوهای جزئی دیگر هم در آن ستون و بعد از آن اتفاق افتاده است . که بقرینه معلوم میشود لهذا بتصحیح و اختصار کیفیت مبادرت کرده شد .

تلکراف که نابه فرایه پرسه از لیبیک گرفته است خبر را که کازت مذکور (از پرونی) در خصوص مرخص شدن مسیو پرونی گرفته بود بتکذیب می کند . تلکراف مذکور بیان میکند که صرف مزبور عفو نشده بوده است . ولی مجازات او را تخفیف داده اند و مقرر شده است بشهر (پرام) فرستاده شده در شهر (قالوئا) قلعہ بند گردد .

از قراریکه مسوع می شود جناب کونت اندراسی بجهت همراهی نکردن و معاونت نمودن بباغیان . اجرای نصیحت مومکده باهالی دالاجا کرده است و عدم قبول نصایح مزبور در حق ایشان موجب ندامت و خسران بودن را بیان کرده است و حسن تأثیر همین غرض در حالت سایر طاغیان نیز ملاحظه شده و بدین وسیله علاوه بر آنکه اهمیت این مسئله که بالذات اهمیتتی نداشت بکلی زایل خواهد شد در ظرف چند روز دیگر بالتمام منفع شدنش مأمولست . و بسبب همین خبر است که مظنه قوتلید نیز رو بترقی شده است .

از قراریکه از پترورغ بکازت پستروئید نوشته اند (واسیلیکی) نام شخصی که در روسیه از اعضای کومیته اعانه بوده بشهر مزبور رسیده و در حین ملاقات با جناب پرنس کورچاکوف دوباره رفتن خود شرا بهر سگ عرض نموده و پرنس مشار الیه هم ترك سلاح نمودن طاغیان هر سگ را بموی الیه سپارش و ضمانتیه مومکده کرده است که هرگاه ترك عصیان نموده و در طغیان خودشان مصر باشند از طرف روسیه بمیوهجه امید و انتظار صحت و حاجت نداشته باشند .

روزنامه های لندن مینویسند حکومت انگلیس نقشه قلمهائی را که در لندن بنا و انشا باید بشود تصدیق نمود . ولی میگویند شورای ملت باین بنا و انشا اذن نخواهد داد . بعلمت اینکه عملیات مذکوره لازم گرفته است . خریدن خیلی عمارتها و خانهها را در شهر لندن که سه میلیون و ربعمی نفوس را دارا است و از هر جهتی چهار هزار خانه در آنجا موجود است . (لوانت هرالد)

کازت منبجست میگوید کومیته نیه راه آهن لانک شایر و یورک شایر در باب تسهیل تردد مسافرن و آغوشهای خود را برای سه موقع سه رنگ قرار خواهد داد . موقع اول سبز . موقع دوم سرخ . موقع سیم آبی . خواهد بود . بلیتهای هر موقع هم پرنس سه موقع خواهد شد . که باین طور مسافرن در کمال سهولت باطاقهای واغون که باید سوار بشوند خواهند رفت .

اینه قاعده در سه سال پیش از این در راه آهن از مید بجرى گردیده است .

روزنامه های اروپ می نویسند باروتخانه ژاپون آتش گرفته است و سی کس تلف و بقدری نجات کس مجروح شده اند .

در تاریخ ۱۰ اکتوبر ۱۸۷۲ پرنس ناپولئون
عمو زاده امپراتور ناپولئون بامر وزیر داخله
از خاک فرانسه اخراج گردیده بود . پرنس مشارالیه
از این جهت بوزیر داخله و ضبطیه و کتابت وزارت
داخله و بامور پولیس اقامه دعوی کرده . ولی
محاکمه اندامیه حکم داد که چون مأمورین موصی الیه
در حالت ایقاع و تعلیقه مأموریت بوده اند . در حق
ایشان چیزی لازم نمی آید . پرنس استیفاء کرده
و این روزها . مجلس استیفاء هم حکم محاکمه
ابتدایه را تصدیق نموده .

(خبرهای تلگرافی)

انگلین

لندن ایضا

پرنس دیغال از دایمارک عودت کرد .
دوک دادنورگ بکوماندانی (سلطان) نام واپور
زهدار تعیین شده است .

بستانی چنگی که اکنون در بومیانی هستند
امر شده که بدون تاخیر بچین بروند .

(اسپانیا)

مادرید ایضا

موقعهای ساحل دریا وجود فرانسه که در دست
قاریستان بوده از جانب عساکر دولتی ضبط شده .
سردی هوا بامداد جنگ مانع میشود .

آلمان

برلین ایضا

در باب قبول نمودن اعضا بمجلس شورای ملت
از اهالی استراسبورگ . حکومت پیمان کرد .
که ما وقتی میتوانیم از ایشان قبول تمام
اعضاهایی که از آنجا انتخاب میشود . اساس را
بنظر موقتی ملک المان ندانسته باشند .

(روتر هواس)

فرانسه

پاریس ۷ فوریه

سندت روم ایلی فرانک ۳۵
اسهام عومیه فروش ۲۰
جدیده ۲۷

در بورس فینان اسهام تنزل نکر .
می گویند مسوولون رنوله وزیر ضبطیه بجای
سبجو بوفه وزیر داخله تعیین خواهد شد .

(المان)

برلین ایضا

در خصوص قبول نمودن تبعه آرایش بنیعت المان
و کنایه تبعه المانرا بنیعت آرایش لایحه بشورای ملت
تقدیم شد .

(پورتوگال)

بورسه

غلامه ۲۸ کانونانی روی

اسهام عومیه ۲۲
فروش ۱۵

سوسنه جنرال ۳
فروش ۱۷

شرکت عثمانیه ۲
فروش ۲۵

اعتبار عمومی

تراموای

سندت شمدورف روم ایلی ۵۳
فرانک ۷۰

استراض

کیال ۱۸۶۳
فروش ۱۲۹

کیال ۱۸۶۵

کیال ۱۸۶۹
فروش ۱۳۱

کیال ۱۸۷۲

کیال ۱۸۷۳
فروش ۱۱۶

کیال

لندن ۳ ماهه بهر لیرای انگلیس ۱۱۱
فرانک ۲۵

پاریس بهر لیرای عثمانی ۲۲

فینان مسکوکات لیرای عثمانی
از قرار صد فروش

فروش ۱۱۰
لیرای انگلیس ۲۲

لیرای فرانسه ۸۸
امپریال ۲۰

کرمیج ۸۹
مجدیده ۵۱

بشک ۱۰۲
متالک ۱۰۷

پول سیاه ۱۰۸
۱۳۸

اعلانات

مرثیه دوازده بند جناب سعادت مآب کاظم باشا
میلوا از اعضای دارشورای عسکری که بجهت
تعمیداران خامس آل عباس شهید کربلا روحی له الفدا
درین دهه محرم اثری است نوین و واسطه ایست برای
تجدید آیین آه و این بانضمام قصیده غزلی مدحیه
در حق حضرت شاه ولایت انشاء فرموده اند
اینروزها طبع شده و در دکان جلیل آغا در جنبه طاش
وحاجی حسن آغا در باغچه قیوسی فروخته می شود .

(خرابات)

مشتمل باتواع قصاید و ترکیات و ترجعات و تسدیسات
و قطعات و رباعیات و غزلیات و ابیات در چهار زبان
یعنی ترکی و عثمانی و فارسی و عربی که کزیده ادبی
روم و شاعر مشهور و معلوم جناب منیا بلک افندی
از آثار اسلاف و معاصرین انتخاب و جمع و در سه جلد
درج کرده بود در دکان حاجی حسن افندی در چارسوی
صحافت و در دکان حاجی حسن آغا تبا کوفروش

در باغچه قیوسی هر جلدی به قیمت معین فروش میشود .

محل فروش (اختر) در جنبه طاش دکان جلیل آغا
کتاب فروش و در باغچه قیوسی دکان حاجی حسن
آغا تبا کوفروش و در بازار بدفرانخانه صرافیم افندی
و در اقصای قریب بشل طولو مبادرد کان تبا کوفروش
و در معازنه کتاب فروشی در زیر مسافرخانه عسکری
و در بشکطاش در مرکز تراموای دردکان
تبا کوفروش ایرانی و در پیش مالیه دردکان قلم فروش
نمره ۱۴۴ و در دم خان والده دکان چاپی فروشی است .

کتاب مستطاب (میزان الموائین فی امر الدین)
که در چند سال پیش از جانب یکی از مأمورین سفارت
منیه ایران در خصوص محاکمه ادیان مختلفه ورد
بر رساله میزان الحلق نام پروتستانی تألیف و در مطبعه
عالمه طبع شده است در معازنه کتاب فروشی در تحت
مسافرخانه عسکری در یک مجدیده سفید فروش
میشود .

چون قبل از آنکه اختر طبع و نشر بشود بعضی
از ذوات کرام از ممالک محرمه و غیره بموجب
مکتوبهای خودشان طالب اونه شدن گردیده
و قیمت آنرا هم بجهت اینکه ارسال بفرمایند
سوال کرده بودند . و تا جواب خدمت
ایشان عرض کنیم شروع بطبع و نشر آن شده
و همان تفصیل که مقرر بودند خنهای که بیرون کرده
شد خدمت ایشان از پوسته های دریا و خشکی
ارسال گردید . و همچنان طور نیز فرستاده خواهد
شد . و قیمت سالیانه و غیره آنهم در لوحه کازت
معین و مرقوم است . لهذا پس از عرض تشکر
بخدمت ایشان بجهت میل و التفاتی که در قبول کردن
این کازت ظاهر فرمودند . از عموم خیر خواهان
خواهش میکنم هر کدام از ایشان بوسائل اولیه
بطوریکه خواهش فرموده اند و مقرر است وجوه
معینه اونه ها را بدار السلطنه اسلامبول و اداره اختر
ایضال فرمایند که باعث دوام و استمرار کار
گردد .

در اداره خانه (اختر) هر نوع اوراق که بزبان
فارسی و عربی و المان و فرانسه و انگلیس و روسی
و ایتالیایی و اسپانیولی باشد بترکی و از ترکی بزبانهای
مذکوره ترجمه و هم نوشتن بعضی اوراق بزبانهای
مذکوره قبول میشود .

(مخاطره ای اورمان)

باخود

(قلابچید و دلی)

نام رساله تبارو بزبان ترکی از جانب ملترم آن اغوب
افندی ماطولمیان طبع شده در بارقه سر بل و جاهای
دیگر فروخته می شود .
رساله مذکوره در نهایت سلاست و شیان مضافه
نوشته شده . مرقی اخلاق و احوال انسانها
تواند بود .

رساله بارقه ظفر دایر بفتح اسلامبول . لید آبا ثار
وصاف که اثر خامه یکی از ادبای مشهور است در دکان
هر کتاب فروش از قرار سه غروش فروش میشود .

یک باب خانه در اسکدار در محله خرمالدین در قاف
قاطرچی در نمره ۱۶ فروش خواهد شد خانه مذکور
در حرم و سلاطین چهارده اطاق و یک طویل و چهار
چاه آب یکی شیرین و سه دیگر تلخ و بقدر هزار
و هفتصد زر زمین بنا و بنجه دارد هر کس طالب
باشد بمطبعه اختر مراجعت نماید .

حکاک مشهور موسو سانچ روسیه مدتی است
باسلامبول آمده موسی الیه هر نوع رسم و خطوط را
در نهایت خوبی و استادی در روی شمشاد حک و ترسیم
می نماید هر کس طالب بوده باشد بمطبعه (اختر)
مراجعت نماید

هر گونه کتب و رسائل و اوراق چه بلنوغراف
و چه به بلنوغراف یعنی باسمه و چاپی سنگی و حروفی
در مطبعه (اختر) در کمال خوبی و امتیاز طبع
و بقیعت و بهای مناسب و بطور مطلوب و موافق
سلیقه تمام کرده میشود و همچنین هر گونه اوراق
و اسناد پرنگه های مختلف و خطوط متوجه و نیز
رسمهای کراویر و قریون و کارت و بزیق فارسی
و ترکی و فرانسوی و دفاتر تجارت و هر نوع اوراق
رسمیه که از جانب اداره های رسمی و دولتی امر
و سپارش داده شود در نهایت امتیاز و خوبی
طبع شده و باعث خوشدلی خواهشمندان سارشیلی
مذکور از هر چه خواهد گردید . و سکه های
لیطوغرافی همه جور بزرگ و کوچک بقیعت مناسب
جهت فروش در اداره طبعه موجود است .

کتاب کستان افصح الشعر شیخ سعدی شیرازی
رحمة علیه رحمة واسعه کتابی است که در قاف
مشرق زمین در نزد عموم اهل لسان و اصحاب ذوق
و فهم مسلم و مقبول است و سزاوار بود که همچنان
نسخه مطبوعه طبع بطور بسیار خوب و طرز
مرغوب باسمه شده یادگاری برای طالبان آن باشد
و مدتی بود که این معنی در نظر بود ولی اسباب این
مقصود حاضر نبود تا آنکه ده سال گذشته
از اتفاقات حسنه عالیجناب میرزا آقا الملک بصاحب
قلم که از مشاهیر خطاطان ایران است بدر سعادت
تشریف آورده و بحسب خواهش دوستان قبول
نمودند که نسخه مذکوره را بنویسند لهذا نسخه
مذکوره در کمال نفاست و خوبی باسمه شده بود
و چون مقصود اصلی خدمتی بمعارف بود بعد از
فروخته شدن مقدار کافی از آن از قیمتش تنزیل
شده اکنون نسخه های آن در معازنه کتاب
فروشی در زیر مسافرخانه عسکریه بایزد .
و در اقصای قریب بشل طولو مبادرد دکان تبا کوفروش
و در دکانهای جلیل آغا در جنبه طاش و حسن آغا
در باغچه قیوسی جلدی از قرار بیست غروش
را بخر فروش میشود .

مطبعه و اداره خانه
مخصوصه است

کتابی که برای
شده و طبع نشود

کتابی که اجرت
است از جانب

این کازت از

چرا راستی

غدل و راستی نگاه دار
دانستن تالی خدائشانی
کارها مستحق جاری شد
است . نتیجه یاساها
است .

عدل را در قاری بی بدادته
و اجرای امر و حالتی
استقامت آن قائم باشد
عدل برابر کردن چیزی
گردد بشرط آنکه عادل
و عوض را کو بد .
عدل عبارت از راستی و
معنای لغوی عدل است
گردیده و غیر از این هر
تفصیل از آنها آوردن

بس اعتدال و استقامت
و احکام مساوات را لازم
از روی عدل و استقامت
و استقامت استعمال بشود
و سلامتها و شرافتها
عادلانه نص ناموس اع
(مستقیم باش چنان
عدل و مساوات متلازمان
برابری خیزد . از برابری
یعنی حریت و مساوات فای
بی مساوات و آزادی
قائم نکردد . ثابت و دای

انون مقبل کارها و مع
این مقیاس بلند و کوتاه
بیک طور . و یک و تیز
باز تواند داشت . حکم
این نسای و برابری نیز
حکم بحریت و آزادی نماید
و عادلانه اداره کند .
رستکار بنظر و تعاون
توانند بهم پیوست .
و سلامت و سعادت اقوام